

تعارض میان جاسوسی و آزادی اطلاعات از منظر حقوق بین الملل بشر

محسن زارع^۱ و نوس قره باغی^{۲*}

چکیده

جاسوسی در پرتو حقوق بشر اهمیت بسیار زیادی دارد و این اهمیت زمانی آشکار می شود که افراد در لوای حقوق بشر مرتکب جاسوسی می شوند یا آنکه حکومت‌ها به بهانه جلوگیری از جاسوسی حقوق بشر را نادیده می گیرند. کاوش حقوقی در این موضوع ضمن رفع نکات مبهم می تواند راهگشای تعارضات حاکم نیز باشد، به نحوی که نه به حقوق اساسی افراد لطمه ای وارد شود و نه آنکه امنیت ملی دولت‌ها خدشه دار شود. التزامات حقوق بشری به دلیل داشتن سنگ بنایی استوار، محوریت بشر و بهره گیری از پشتیبانی جدی و سازوکارهای نظارت و کنترل در کنار ضمانت اجرای منحصر به فرد آن، تحرک سریع تر و هدفمندتری را نسبت به شکل گیری و توسعه سایر قواعد حقوقی می پیماید و بخش اعظم این فرایند را نیز به واسطه تحدید اختیارات و حاکمیت دولت‌ها و ایجاد ارکان نظارتی، موظف به کنترل اعمال دولت‌های عضو و ارکان و کارگزاران و نمایندگان آنان در داخل و خارج محقق ساخته است.

کلیدواژگان

آزادی، امنیت، جاسوسی، حقوق بشر، راهبرد، صلح.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، شیراز

۲. استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی کازرون، کازرون. (نویسنده مسئول).

Email: venus_gh645@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۲۳

مقدمه

به نظر می‌رسد که به کارگیری اصطلاح حقوق بین‌الملل جاسوسی که عبارت خواهد بود از مجموعه قواعد و مقررات بین‌المللی حاکم بر شناسایی، محاکمه و مجازات جاسوسان و تعیین حد و مرزهای حقوقی و جاسوسی در شاخه‌های مختلف حقوق بین‌الملل اعم از حقوق دیپلماسی، حقوق بشر، حقوق مخاصمات و... بلا اشکال باشد، همچنان که اصطلاح حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه را با وجود نفی مخاصمات مسلحانه و مذموم بودن آن به کار می‌گیریم. با آنکه دولت‌ها در اعلام سیاست‌های خود به ظاهر جاسوسی را منکر می‌شوند، در صورت نیاز به کسب اخبار و اطلاعات با به کارگیری جاسوسان خبره اطلاعات راهبردی را کسب می‌کنند (kish, 1995: xv). نظم نوین جهانی با ایجاد یک سند بین‌المللی در خصوص قواعد و مقررات حاکم بر جاسوسی که لزوم وجود آن بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود، با ایجاد نظام حقوقی متوازن در خصوص جاسوسی، ضمن حفظ امنیت ملی دولت‌ها امکان ملاحظات متقابل را فراهم می‌کند و در پرتو این کارکرد (روش) (قاعده) قانونمند و به رسمیت شناخته شده جاسوسی) شاهد اعتلای حقوق بین‌الملل در شاخه‌های مختلف آن خواهیم بود. با بهره‌گیری از این مقررات بین‌المللی دیگر شاهد نقض حقوق بشر به بهانه جاسوسی از جانب حکومت‌ها نخواهیم بود و برعکس امنیت ملی دولت‌ها در پرتو آزادی‌های بی‌حد و حصر اطلاعات و ارتباطات لطمه نخواهد دید یا در زمینه دیپلماسی ملاحظات و ارتباطات دیپلماتیک با امنیت ملی دولت‌ها متوازن خواهد شد.

جاسوسی قدرت دانستن است. قدرتی که با آن می‌توان فهمید چگونه حوادث به امتیازاتی برای کشورها تبدیل می‌شود. به این سبب کشورهای مختلف به‌طور معمول به خود اجازه می‌دهند که برای حفظ موقعیت حراست از مرزهای جغرافیایی و تقویت نیروهای خویش در مقابل رقیب به اطلاعاتی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و غیره دسترسی پیدا کنند و برای حصول به این مقصود همواره در صدد پیدا کردن و اجیر نمودن نیروهایی هستند که از هر طریق و به هر قیمت ممکن اطلاعات را در اختیار آنها قرار دهد (دامارنش، اندلن، ۱۳۸۰: ۱۶۳-۱۶۲). سؤالات پیش رو عبارتند از اینکه: اولاً، در چه مواردی میان مسئله رعایت حقوق بشر و جاسوسی در روابط بین‌المللی، ارتباط وجود دارد؟ ثانیاً، چه قواعدی در حقوق بین‌الملل برای مقابله با جاسوسی و جلوگیری از نقض حقوق اشخاص توسط دولت‌ها وجود دارد؟ فرضیات پیش رو نیز عبارتند از اینکه: اولاً، در مواردی که از سوی مراجع بین‌المللی یا دولت‌ها در لوای نظارت بر رعایت حقوق بشر، در کشورهای متهم به نقض حقوق بشر جاسوسی صورت می‌گیرد یا آنکه حکومت‌ها به بهانه حفظ امنیت ملی با جاسوسی حقوق بشر را نادیده می‌گیرند؛ ثانیاً، براساس بند یک ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۹

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌ها برای حفظ امنیت ملی فقط با توجه به ضرورت‌های ناشی از یک جامعه دموکراتیک، آزادی اطلاعات را محدود می‌کند و با این قید به بهانه حفظ امنیت ملی جلوی جاسوسی دولت‌ها گرفته می‌شود. هدف از این پژوهش، بررسی جاسوسی‌هایی است که افراد در لوای حقوق بشر انجام می‌دهند یا آنکه حکومت‌ها به بهانه جلوگیری از جاسوسی، حقوق بشر را نادیده می‌گیرند.

مفهوم جاسوسی در حقوق بین‌الملل

شناخت جاسوسی که به ابزاری مؤثر در صحنه بین‌المللی مبدل شده، همچنین حقوق بشر که میراث مشترک جهانی به‌شمار می‌رود، نیازمند مطالعه موضوعات اساسی است. حال این موضوع مطرح می‌شود که آیا جاسوسی در دوران کنونی مجاز است یا عملی بر خلاف قواعد و مقررات بین‌المللی است، در پاسخ باید گفت که جاسوسی را باید از دو بعد زمانی بررسی کرد: جاسوسی در دوران مخاصمات مسلحانه و جاسوسی در دوران صلح. بر مشروعیت جاسوسی در دوران مخاصمات مسلحانه تردیدی وارد نیست. دول متخاصم حق دارند به اطلاعاتی از طرف مقابل دسترسی داشته باشند و هیچ مسئولیت بین‌المللی نیز بر این اقدام مترتب نیست و تا کنون هیچ‌یک از محاکم بین‌المللی به‌ویژه دیوان‌های بین‌المللی کیفری در احکام صادره مسئولیتی برای دول متخاصم در به‌کارگیری جاسوسان قائل نشده‌اند. اما در دوران صلح بحث جاسوسی جای تأمل دارد. در نگاه اول و کلی چنین استنباط می‌شود که جاسوسی در دوران صلح چون اقدام علیه منافع حاکمیت‌هاست، از لحاظ موازین بین‌المللی پذیرفتنی نیست. این نگرش هر چند صحیح است، ترتیبات امنیتی موجب دگرگونی در این دیدگاه شده است. روش امنیت دسته‌جمعی به سمتی سوق پیدا کرده که در راستای ملاحظات راهبردی به‌منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مانع اقدام مخفیانه کشورهای در اموری خواهد بود که امنیت بین‌المللی را به چالش می‌طلبند. بنابراین در راستای مصالح و امنیت بین‌المللی تهدیدات بین‌المللی به هر شکل ممکن باید آشکار شود ولو با جاسوسی؛ از این رو استنباط می‌شود حقوق بین‌الملل که هدف اصلی آن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، جاسوسی را در مواردی تجویز خواهد کرد و آن زمانی است که صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره بیفتد یا در مرحله به خطر افتادن باشد. بنابراین می‌توان گفت هر چند تجویز جاسوسی در دوران صلح امری مطلق نیست، در مواردی که صلح و امنیت بین‌المللی ایجاب می‌کند، جاسوسی مشروعیت می‌یابد. به‌رغم این استدلال که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی توجیه‌کننده جاسوسی در دوران صلح است، لیکن در دوران معاصر تفکرات و دکترین‌هایی در حال شکل‌گیری است که سعی بر ورود مشروعیت جاسوسی در دوران صلح دارند. این گروه معتقدند یک اصل اساسی به‌وجود آمده که در صورت فقدان ممنوعیت خاص حقوق بین‌الملل

عمومی و مشروعیت جاسوسی در دوران مخاصمات مسلحانه، در دوران صلح نیز جاسوسی بر مبنای عملکرد تمامی دولت‌ها در این زمینه و در راستای دفاع مشروع و حفظ توازن قدرت در عرصه جوامع بین‌المللی صورت می‌گیرد و به نظر می‌رسد دلایل کافی بر منع و عدم تجویز جاسوسی در دوران صلح نیز وجود ندارد (Rauch, 1981: 172). این نگرش در دوران کنونی از مقبولیت عمومی برخوردار نیست، چراکه بیشتر حافظ منافع کشورهای غربی و توسعه‌یافته است و این امکان را برای آنان فراهم می‌کند که با استفاده از امکانات و تجهیزات اطلاعاتی و ارتباطی خود به سهولت به اطلاعات راهبردی و بنیادین سایر کشورها دسترسی پیدا کنند. به عقیده نویسنده، با توجه به تقسیم قدرت‌ها در دنیای کنونی و عدم دسترسی اغلب کشورها به فناوری‌های پیشرفته و همچنین سوء استفاده قدرت‌های بزرگ از کشورهای ضعیف در پیشبرد اهداف خود، مشروعیت جاسوسی در زمان صلح جز سلطه بیشتر قدرت‌های دنیا بر کشورهای دیگر حاصلی در بر نخواهد داشت. شایان ذکر است که با توجه به تحولات شگرف در فناوری‌های نوین اطلاعاتی، ارتقا و توسعه حقوق بین‌الملل در تمامی شاخه‌ها به یک سند جامع بین‌المللی نیاز است تا به تعارضات حاکم بر حقوق بشر و جاسوسی خاتمه دهد و توازن امنیتی را در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل برقرار کند.

۱. مفهوم جاسوسی در حقوق بین‌الملل کلاسیک

مفهومی که در ابتدا از جاسوسی در حقوق بین‌الملل به ذهن متبادر می‌شود، بحث جاسوسی در مخاصمات مسلحانه است که از دیرباز مطرح بوده است. در مفهوم کلاسیک جاسوسی عبارت خواهد بود از کسب اطلاعات و اخبار نظامی از دشمن. البته تعاریف جاسوسی در مخاصمات مسلحانه با گذشت زمان دچار تغییرات و اصلاحاتی شده است. ماده ۲۹ مقررات منضم به کنوانسیون چهارم لاهه در زمینه قوانین و عرف جنگ‌های سرزمینی مصوب ۱۹۰۷ جاسوس را چنین معرفی می‌کند: جاسوس کسی است که مخفیانه یا تحت عناوین واهی در منطقه عملیاتی دشمن به جمع‌آوری و انتقال اطلاعات برای دشمن اقدام می‌کند. در ادامه فرایند تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، مفهوم جاسوسی نیز دچار تغییراتی شد. با تصویب پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در زمینه حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (۱۹۷۷) سعی شد تا از شمول افراد تحت عنوان جاسوس کاسته شده و غیر نظامیان و نظامیان ملبس از تعریف جاسوسی مستثنا شوند (مجموعه معاهدات ملل متحد). اگر در گذشته جاسوسی منحصر به نوع نظامی بود و پیروزی در این بعد، موفقیت محسوب می‌شد، امروزه به‌وضوح گذشته نیست. پیروزی ممکن است با موفقیت قانونمند سیاسی یعنی بدون به‌کارگیری زور و استفاده از فرصت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی یا دیپلماتیک توأم بوده یا گاهی به‌شکل بسیار عینی، پیروزی‌های سودمند اقتصادی باشد. در تفوق اقتصادی، بروز و ظهور

جاسوسی اقتصادی به سلاحی راهبردی با تأثیر قوی تبدیل شده است. به‌ویژه در نظام اقتصادی جدید و در جریان جنگ جهانی چهارم^۱ اقتصادهای شکننده جهان سوم که گاه به‌شدت به ثروت‌های نفتی متکی‌اند و مستبدانی که قدرتشان بسته به نیروی اقتصادی و توان خرید سلاح از بازارهای جهانی است، امروزه بخش‌های دیگری از ابزارهای اطلاعاتی محسوب می‌شوند. بر این اساس سرویس اقتصادی بیش از پیش به دایره ابزارهای مذکور افزوده شده و جاسوسی اقتصادی به عنصری کلیدی در رقابت‌های جنگی تبدیل شده است. بروز و ظهور جاسوسی به موارد مذکور منحصر نیست و در حوزه‌های مختلف نیز مشهود است و این حاکی از پیچیدگی و گسترش قلمرو جاسوسی است. به‌عبارت دیگر، در وضعیت فعلی جاسوسی از مرزهای جغرافیایی کشورها فراتر رفته و حالتی جهانشمول به خود گرفته و سازمان‌های مخوف اطلاعاتی جهان و شبکه‌های جاسوسی جدیدترین دستاوردهای علمی روز مانند ماهواره‌های تجسمی و امواج الکترونیکی جهت رمزخوانی را برای رسیدن به اهداف جاسوسی خویش به‌کار گرفته‌اند و هیچ کشوری نمی‌تواند ادعا کند که از تیغ حملات بی‌امان سازمان‌های جاسوسی مصون خواهد ماند (اشرفی، ۱۳۸۰: ۱۳). این فعالیت‌ها به‌طور محسوس هم در دوران مخاصمات مسلحانه و قواعد و مقررات بین‌المللی حق متخاصمان را برای به‌کارگیری جاسوسان به منظور کسب اطلاعات دشمن به رسمیت شناخته‌اند، بدین لحاظ جاسوسی متضمن هیچ‌گونه نقض حقوق بین‌الملل نیست و از لحاظ موازین حقوق بین‌الملل جرم محسوب نمی‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۵۷: ۴۸۸).

قواعد و مقررات بین‌المللی مربوط به جاسوسی در زمان صلح بسیار پیچیده و مبهم است. درست است که بعد عرفی، جاسوسی را همواره نفی و آن را عملی مذموم تلقی کرده است، از اواسط قرن بیستم شاهد تحول در خصوص قواعد و مقررات بین‌المللی حاکم بر جاسوسی هستیم. هرچند این قواعد و مقررات بین‌المللی معطوف به دوران جنگ است، لیکن نیاز به قواعد و مقررات بین‌المللی در زمان صلح هنگامی روشن می‌شود که نقش مثبت جاسوسان را در طول دوران جنگ سرد در انعقاد معاهداتی که در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بسیار مؤثر واقع شدند، مدنظر قرار دهیم، به‌طوری‌که اطلاعات تحصیلی جاسوسان دو بلوک شرق و غرب از

۱. برخی نویسندگان غرب اعتقاد دارند که غرب در طول قرن بیستم سه جنگ جهانی را پشت سر گذاشته است. جنگ جهانی اول، دوم و جنگ سرد و حال در مهلک‌ترین درگیر است. جنگ جهانی چهارم را رویارویی شمال علیه جنوب می‌دانند. آنها جنوب را ملت‌هایی با سنت پایدار می‌دانند که در جنگ با شمال صنعتی هستند. جنوب را یکسره تروریست و حامی کارتل‌های مواد مخدر معرفی کرده و با این ترفند نبرد ظالمانه شمال غارتگر را علیه جنوب، نبردی عادلانه توجیه کردند و از این زاویه هر گونه اقدامی را جایز می‌شمارند. آنها بر این باورند که جاسوسی قاطع‌ترین سلاح در جنگ جهانی چهارم است که طی آن تمام غرب و به‌عبارتی شمال صنعتی با نیروهایی که به پندار آنان از طریق راهبردهای قراردادی غیرقابل یورش هستند به نبرد برمی‌خزند (اندلمن، دمارانش: ۶).

توان تسلیحاتی طرفین، زمینه کاهش تعارضات مسلحانه را از طریق انعقاد پیمان‌های تسلیحاتی فراهم کرد.

۲. مفهوم جاسوسی در حقوق بین‌الملل نوین

پس از بررسی مفهوم جاسوسی در حقوق بین‌الملل کلاسیک اکنون جاسوسی را از منظر دیگر و با توجه به تحولات حاکم بر جاسوسی بررسی می‌کنیم. مفهوم جاسوسی در این دیدگاه مبتنی بر بروز و ظهور جاسوسی در حوزه‌ها و قلمروهای مختلف است که به آن پیچیدگی خاصی بخشیده است. با برداشته شدن مرزهای جغرافیایی و کمرنگ شدن حاکمیت‌ها و تبدیل و ارتقای موضوعات داخلی همچون حقوق بشر به موضوعات بین‌المللی پیشرفت‌های چشمگیر صنعتی در زمینه‌های مختلف به خصوص در امور فضایی سبب شده است که دیگر موضوع حقوق بین‌الملل و جاسوسی به مخاصمات مسلحانه منحصر نشود و در شاخه‌های مختلف حقوق بین‌الملل همچون حقوق بشر، دیپلماسی، حقوق بین‌الملل فضا^۱ و... نیز ظهور و بروز جاسوسی را ملاحظه کنیم (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۱: ۸۲).

تضییقات وارد بر حقوق بشر که در راستای حفظ امنیت و منافع ملی است، در نظام حقوقی فرانسه که نمود بارز نظام حقوقی رومی ژرمنی است نیز مشهود است. کتاب پنجم قانون کیفری ۱۹۹۲ فرانسه به جنایت و جنحه علیه ملت، دولت، صلح و امنیت عمومی پرداخته است. عنوان اول کتاب پنجم به جرایم علیه منافع اساسی اختصاص یافته است، البته جرم جاسوسی و جرایم مرتبط با آن در فصل اول و تحت عنوان خیانت و جاسوسی مطرح شده است. ملاحظه و مذاکره در قانون کیفری فرانسه نیز بیانگر آن است که قانونگذار فرانسه نیز در راستای منافع و مصالح ملی تضییقاتی را برای آزادی‌های محض اطلاعاتی و ارتباطی وارد کرده است. نکته شایان توجه در حقوق کیفری فرانسه آن است که قانونگذار فرانسه تابعیت مرتکب را ملاک تشخیص

۱. از آغازین روزهای عصر فضا، سازمان ملل متحد تلاش‌های بسیاری را برای ایجاد مجموعه‌ای منسجم و مدون از قوانین برای فضای ماورای جو و فعالیت‌های فضایی انجام داد. در ابتدا کشورها توانستند به توافقات اولیه و اصولی برای ایجاد شاخه‌هایی از حقوق بین‌الملل مرتبط با فضا برسند، اما به هر حال مذاکرات چندجانبه بعدی که با هدف حل و فصل موضوعات و مناقشات مهم‌تر و خاص‌تری انجام گرفت، چندان رضایت‌بخش نبود. از طرفی، نیازی آتی و روزافزون به داشتن مجموعه‌ای کامل و منسجم از حقوق فضا احساس می‌شد. همچنین این آگاهی به وجود آمد که جامعه بین‌المللی برای رسیدن به چنین سطحی از تأمین نیازهای حقوقی خود، باید راه زیادی را بییماید. در برهه زمانی خاصی که گاهی آن را عصر طلایی قانونگذاری فضایی می‌نامند، رشد ناگهانی فعالیت‌های فضایی با شکل‌گیری تعدادی از معاهدات چندجانبه که فقط به فعالیت‌های فضای ماورای جو اختصاص داشت همراه بود. با وجود این، معاهدات چندجانبه و برخی از کنوانسیون‌ها، بسیاری از موضوعات قابل بحث و مهم مربوط به فضای ماورای جو و فعالیت‌های فضایی بی‌پاسخ ماند و این خود دلیلی برای نیاز مستمر به قانون‌سازی و پویایی در این حوزه بوده است (سایت نجوم ایران).

جاسوسی از خیانت به کشور دانسته و بر این اساس در ماده ۱-۴۱۱ قانون مذکور ملاک تمییز جاسوسی و خیانت به کشور را تابعیت مرتکب دانسته است. در اعمالی که خیانت محسوب می شود، مرتکب باید فرانسوی بوده و اقدام به تفتیش و کارهای غیرقانونی کرده باشد و در صورتی که مرتکب همان اعمال یک شخص خارجی باشد، عمل وی جاسوسی محسوب خواهد شد. عنصر اصلی خیانت عبارت است از بی توجهی به وظایفی که شرط وفاداری بر یک تبعه الزام می کند و اگر خارجی مرتکب کشف اسرار دفاعی کشور برای تسلیم آن به کشورهای خارجی شود، او را جاسوس می نامند (علی آبادی، ۱۳۳۳: ۱۷۹).

محاکم جزایی فرانسه معتقدند که ملاک تشخیص جاسوسی از خیانت عبارت خواهد بود از سوء نیت و انگیزه واقعی مجرم یعنی هر جا که قصد مرتکب با امنیت کشور ضدیت باشد، عمل او خیانت و هر کجا که منظور او کسب خبر و اطلاعات در مقابل اجرت یا هر پاداش دیگر باشد، عمل جاسوسی است (اسلامی، ۱۳۷۳: ۱۷۶).

حقوق کیفری فرانسه مجازات جاسوسان را بنا به نوع اطلاعات اکتسابی و اعمال ارتكابی تعیین کرده است. البته نکته شایان تأمل در قانون کیفری ۱۹۹۲ فرانسه، آن است که این قانون برخلاف قانون مجازات عمومی فرانسه که در سال ۱۸۱۰ تصویب و مجازات اعدام را برای جاسوسی پذیرفته بود، مجازات اعدام را منتفی کرده است. مستنبط و مستفاد از مواد ۲-۴۱۱ و ۳-۴۱۱ قانون مذکور مرتکب اسباب چینی یا برقرار کردن روابط تفتیش با نیروهای خارجی یا عوامل آنها به منظور تحریک به اعمال خصمانه یا ایجاد جنگ علیه دولت فرانسه یا زمینه تسلیم شهرها، استحکامات میدانها، پستها، بنادر، زرادخانهها و کشتیها به دشمن شود، به حبس جنایی دائم و ۵ میلیون فرانک جزای نقدی یا ۳۰ سال حبس جنایی و ۳ میلیون فرانک جزای نقدی محکوم خواهد شد. اما اگر عمل ارتكابی یا تحویل اطلاعات به کشور خارجی خارج از موارد مذکور در موارد یادشده باشد، مرتکب به صراحت مواد ۶-۴۱۱، ۷-۴۱۱ و ۸-۴۱۱ به ده تا پانزده سال حبس جنایی و از ۱ تا ۱/۵ میلیون فرانک جزای نقدی محکوم خواهد شد. ملاحظه می شود که در نظام حقوقی فرانسه به رغم لغو مجازات اعدام شاهد اعمال مجازاتهای حبس و جزای نقدی شایان توجه هستیم، مضافاً اینکه تزییقات و تحدیدات اطلاعاتی در کنار پذیرش اصل آزادی اطلاعات و ارتباطات نیز به چشم می خورد.

حال به بررسی جاسوسی و حقوق بشر در نظام حقوق اسلامی ایران می پردازیم:
اصول ۲۴ و ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تزییقات بر آزادی اطلاعات و ارتباطات در راستای موازین قانونی را مجاز می داند. در اصل ۲۴ قانون اساسی آمده است: نشریات و مطبوعات در بیان مطلب آزادند، مگر آنکه مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد که تفسیر آن را قانون معین می کند.

اصل ۲۵ قانون اساسی نیز مقرر می دارد: بازرسی و نرساندن نامهها، ضبط و فاش کردن

مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون. بندهای ۴ و ۵ ماده ۱۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۷۱ تزییقاتی صریح بر آزادی تردد وارد کرده است. مطابق بند ۴ «هر نظامی که برای به دست آوردن اسناد یا اطلاعاتی به نفع دشمن به محل نگهداری اسناد یا اطلاعات داخل شود چنانچه به موجب قوانین دیگر مستوجب مجازات شدیدتری نباشد به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌گردد» یا مطابق بند ۵ (هر بیگانه‌ای که برای کسب اطلاعات به نفع دشمن به پایگاه‌ها، کارخانه‌ها، انبارهای تسلیحاتی، اردوگاه‌های نظامی، یگان‌های نیروهای مسلح، توقفگاه‌های موقتی نظامی، ساختمان‌های دفاعی نظامی یا وسایط نقلیه زمینی، هوایی، دریایی یا در محل‌های نگهداری اسناد یا اطلاعات داخل شود، به اعدام و در غیر این صورت به دو تا ده سال حبس محکوم می‌شود). برای تحقق جرایم مذکور ورود اشخاص به مواضع مربوط باید به صورت غیرمجاز صورت گرفته باشد (میرمحمد صادقی، همان: ۹۲).

ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی در اختیار قرار دادن اسرار، اسناد و تصمیمات در زمینه سیاست داخلی یا خارجی به صورت عمدی به افراد بی‌صلاحیت به نحوی که متضمن جاسوسی باشد، یک تا ده سال حبس در بر خواهد داشت. براساس ماده ۵۰۲ قانون مذکور نیز وارد کردن صدمه به امنیت ملی از طریق ارتکاب جرم جاسوسی در قلمرو ایران به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر، یک تا پنج سال حبس در بر خواهد داشت. ماده ۵۰۳ قانون مذکور محدودیت‌هایی را برای ورود اشخاص به مناطق امنیتی پیش‌بینی کرده است و در صورت ورود، فیلم‌برداری یا عکس‌برداری به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شوند. ماده ۵۰۴ قانون مذکور تحریک مؤثر نیروهای مسلح و رزمنده به عصیان، فرار و عدم اجرای وظایف نظامی به قصد براندازی حکومت، در صورت مؤثر بودن دو تا ده سال و در غیر این صورت شش ماه تا سه سال حبس در بر خواهد داشت. ماده ۵۰۵ قانون مذکور با تزییق بر اصل آزادی اطلاعات، افراد را از دسترسی به اطلاعات امنیتی منع می‌کند و در صورت در اختیار قرار دادن اطلاعات مذکور به دیگران به دو تا ده سال و در غیر این صورت به شش ماه تا پنج سال محکوم می‌شوند. ملاحظه شد که دولت‌ها در راستای منافع و امنیت ملی خود اقدام به تعیین حد و مرزهای حقوقی در دسترسی افراد به اطلاعات یا تردد و ارتباطات می‌کنند تا مانع اقدامات مضر امنیتی همچون جاسوسی شوند، لیکن مسئله نگران‌کننده، اعمال سلايق حاکمیتی و صلاحیددی در دسترسی به اطلاعات یا تردد افراد است، به نحوی که با تفاسیر گاه متفاوت از آزادی‌های بنیادین بشری همچون ارتباطات و اطلاعات و دستاویز قرار دادن امنیت ملی مانع دسترسی افراد به اطلاعات یا برخورداری از حقوق ارتباطات و تردد می‌شوند و با متخلفان نیز با مستمسک قرار دادن بزه جاسوسی برخورد می‌کنند. بی‌شک تا زمانی که نظام بی‌طرف

بین‌المللی در زمینه تعیین حدود و کیفیت آزادی‌های بنیادین بشری نداشته باشیم، شاهد ابهامات فزاینده در بهره‌برداری افراد از این آزادی‌ها و اقدامات خودسرانه حکام در محرومیت انبای بشری از آزادی‌های بنیادین به بهانه جاسوسی خواهیم بود.

انواع جاسوسی در صحنه بین‌المللی

جرم جاسوسی در متون حقوق جزا و تحلیل‌های حقوق کیفری تحت عناوین مختلفی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، البته تقسیم‌بندی و عناوین مختلف در زمینه نوع اطلاعات اکتسابی جاسوسان است. بر این اساس جاسوسی به انواع مختلفی تقسیم شده که در این مقوله جاسوسی را در قالب چهار عنوان کلی و کاربردی بررسی می‌کنیم.

۱. جاسوسی نظامی

در ابتدای بررسی تفصیلی انواع جاسوسی به لحاظ منطقی بهتر است سخن خود را با سنتی‌ترین نوع جاسوسی یعنی جاسوسی نظامی آغاز کنیم. هدف تجسس نظامی به‌دست آوردن اطلاعات و معلومات مربوط به نیروهای مسلح در زمان صلح و جنگ است. دشمن می‌کوشد اطلاعات دفاعی کشور را در معرض دستبرد قرار دهد و اطلاعاتی درباره انواع اسلحه‌ها و میزان آن و تعداد نیروهای مسلح و شکل سازمان‌بندی آن و غیره کسب کند که این نوع جاسوسی در قوانین بیشتر کشورها مورد توجه قرار گرفته است. در واقع هدف از جاسوسی نظامی افزایش امنیت نظامی در برابر تهدیدهای نظامی دولت مقابل است، اما اینکه امنیت نظامی چیست و هدف مشخص امنیتی در این حوزه پیرامون چه مواردی است، قابل تأمل است. موضوع اصلی امنیت نظامی بر محور جنگ و ابزارهای زور دور می‌زند. هدف مشخص امنیتی در این حوزه عبارت است از جلوگیری از بروز جنگ و در صورت واقع شدن پیروزی در آن (Booth, 1988:360).

۲. جاسوسی اقتصادی

جاسوسی اقتصادی در دنیای پس از جنگ سرد^۱ به‌طور روزافزونی به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در

۱. جنگ سرد مبارزه اقتصادی و ایدئولوژیکی‌ای بود که پس از جنگ جهانی دوم، بین ابرقدرت‌های آن زمان، اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا در گرفت و توسط هم‌پیمانان ایشان پشتیبانی شد. جنگ سرد با آغاز در سال ۱۹۴۷ تا پایان قطعی آن در فروپاشی کمونیسم و از میان رفتن شوروی، حدود چهار دهه ادامه یافت. در این دوران هم‌پیمانان مهم و ثابت‌قدم آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان غربی و اعضای دیگر ناتو (سازمان معاهده آتلانتیک شمالی)، سنتو CENTO (سازمان معاهده مرکزی)، سیتو SEATO

امنیت مطرح شده است. کشورهای بزرگ نه تنها مصالح اقتصادی خود را در اولویت قرار داده‌اند، بلکه مأموریت اول دستگاه‌های جاسوسی این کشورها نیز «جاسوسی اقتصادی و تجاری» تعریف شده است. به طوری که سیاست‌گذاران ضمن تأیید ارتباط امنیت اقتصادی با ایمنی جامعه به دنبال راه‌های جدیدی برای وارد کردن موضوعات اقتصادی راهبردهای سنتی دفاعی‌اند (مندل، ۱۳۷۹: ۱۰۷). مؤسسه تحقیقاتی «تدبیر اقتصاد» با انتشار گزارشی در این زمینه تأکید کرد: با توجه به تحولات جدید بین‌المللی و نقش تعیین‌کننده اقتصاد در این تحولات «دولت‌ها محور اصلی راهبرد امنیت خود را در اقتصاد تعریف کرده‌اند» (احمدی، ۱۳۸۳: ۲۰).

۳. جاسوسی منابع طبیعی / محیط زیست

امنیت منابع طبیعی شامل موضوعات مربوط به منابع تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر، همچنین امنیت محیط زیست شامل آلودگی و تغییرات کل زندگی است که از طریق ارزیابی تغییرات ناشی از امنیت متحول شده این منابع به اطلاعات تبیینی و تحلیلی پی می‌بریم. با توجه به تازگی این بعد از جاسوسی و برخورد متنوع (و اغلب سطحی) تحلیل‌گران امنیتی با آن، تفکیک بین امنیت منابع طبیعی و محیط زیست مستلزم توضیح دقیق‌تر است. امنیت منابع طبیعی هم موضوع جاسوسی منابع تجدیدناپذیر (مانند مواد معدنی راهبردی و سوخت‌های فسیلی) است و هم دسترسی به منابع تجدیدپذیر (مورد نیاز برای حفظ زندگی مثل غذا و آب) را دربر می‌گیرد. از طرف دیگر، امنیت محیط زیست، شامل آلودگی‌های تهدیدکننده حیات و تغییرات تهدیدکننده محل زندگی طبیعی انسان می‌شود که مهم‌ترین نمونه‌های آن گرم شدن کره زمین، نازک شدن لایه ازن، باران‌های اسیدی، جنگل‌زدایی جهانی و ضایعات سمی است (Mandel, 1992: 25-26). اغلب دانش‌پژوهانی که به تحلیل ریشه‌های کشمکش می‌پردازند، احتمالاً بیشتر بر امنیت منابع طبیعی تکیه می‌کنند تا بر ملاحظات مربوط به امنیت محیط زیست. بر همین سیاق اغلب سیاست‌گذاران امنیت ملی نیز در خصوص اطلاعات اکتسابی در زمینه امنیت منابع طبیعی بیش از امنیت محیط زیست سرمایه‌گذاری می‌کنند، چراکه امنیت منابع طبیعی از طرفی با ملاحظات مشهود ژئوپلیتیکی^۱ مربوط به موقعیت موانع و تأمین تدارکات مرتبط است.

(سازمان معاهده آسیای جنوب شرقی)، آنزوس ANZUS (پیمان امنیت اقیانوس آرام بین استرالیا، نیوزیلند و آمریکا) و کشورهای ژاپن، کره جنوبی، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی بودند. هم‌پیمانان ثابت و قدرتمند شوروی نیز لهستان، چکسلواکی، آلمان شرقی، اعضای دیگر پیمان ورشو و کومکون Comecon (گروه تجاری بلوک شرق) و همچنین مغولستان، کره شمالی، ویتنام، کوبا و سوریه بودند.

۱. ژئوپلیتیک نقش برجسته‌ای در روابط بین‌الملل و سیاست بین‌الملل دارد و از دو بخش «ژئو» به معنای زمین و

۴. جاسوسی سیاسی - فرهنگی

این بعد از جاسوسی از جمله ابعادی است که کمتر از سایر موارد در تنظیم و طبقه‌بندی انواع جاسوسی قرار گرفته است. ابهام در مرزهای مفهومی، سبب شده که تحلیل‌گران از برخورد مجزا با این نوع جاسوسی غفلت ورزند و اغلب آن را بخشی از جاسوسی نظامی یا اقتصادی تلقی کنند. اما این مطالعه بعد سیاسی ت فرهنگی را از سایر موارد جدا می‌بیند و این امر با دو معیار پیگیری خواهد شد:

الف) میزان اقتدار دولت‌ها و حکومت‌های آنها و جهان‌بینی سیاسی آنان؛

ب) میزان تحمل انسجام و همزیستی مسالمت‌آمیز هویت‌های فرهنگی سنتی در بین ملت‌ها.

در نگاه اول شاید عجیب به نظر برسد که چرا جاسوسی سیاسی و فرهنگی را در یک بعد واحد ادغام کرده‌ایم. در واقع برخی تحلیل‌گران مایل‌اند آنها را از هم جدا کنند. این امر حداقل تا حدی ناشی از این ادعاست که فقط در موارد معدودی مرزهای دولتی و اجتماعی با هم مطابقت دارند (Bussan, 1991: 19-20). ممکن است در بدو امر به نظر برسد که اقتدار سیاسی و تحمل فرهنگی در نقطه مقابل هم قرار دارند، چون در جوامع چندفرهنگی، واحدهای قوی ریشه‌دار، تهدیدی برای موقعیت سیاست‌های یکپارچه دولت به‌شمار می‌روند.

اصول حقوق بشر و جاسوسی

موضوع اصول حقوق بشر و جاسوسی تحت اصول زیر بحث و بررسی می‌شود.

۱. اصل آزادی اطلاعات

از جمله مهم‌ترین اصول حقوق بشری که ارتباط تنگاتنگ و ملموسی با جاسوسی دارد، اصل

«پلیتیک» (سیاست) تشکیل یافته است. دانشنامه سیاسی آشوری ژئوپلیتیک را «ترکیبی از جغرافیای سیاسی و علم سیاست» می‌داند. مراد از این واژه از نظر محمود طلوعی «رابطه بین منابع زیرزمینی و موقعیت جغرافیایی یک کشور با وضع و موقعیت سیاسی آن است». به‌طور کلی ژئوپلیتیک از یک طرف علم سیاست جغرافیاست برای درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی و عوامل جغرافیایی که بر سیاست‌های جهانی تأثیر می‌گذارد و آنها را متحول می‌کند و منافع ملی را تأمین یا حفظ می‌کند و از طرف دیگر اندیشه و تفکر انسان‌ها و نهادهای صاحب قدرت است که بر خط مشی سیاست‌های ملی ت منطقه‌ای و جهانی تأثیر می‌گذارند. ژئوپلیتیک یک راهنماست که به ما می‌گوید کدام مکان‌ها با توجه به مقتضیات زمانی بااهمیت‌تر است و حکم می‌کند آنجا را تصرف کنیم یا اینکه ژئوپلیتیک یک روش است، اگرچه این روش به تکامل نرسیده است، ما را در تحلیل طرح‌های کلان یاری می‌کند و می‌گوید از ژئوپلیتیک اقتصادی، فرهنگی، سیاسی یا نظامی استفاده کنید تا بتوانید دشمن خود را شکست دهید (آشوری داریوش، ۱۳۷۳: ۱۸۲).

آزادی اطلاعات است. روند جهانی شدن حقوق بشر فارغ از سوء استفاده‌های سیاسی دول حاکم در جهت پشتیبانی از جریان متعادل اطلاعات و دسترسی تمام افراد بشری به اطلاعات است. از سوی دیگر موانع امنیتی و جلوگیری از به خطر افتادن نظم داخلی و بین‌المللی مانع از دسترسی افراد به اطلاعات می‌شود. با آنکه اصل آزادی اطلاعات قدرت معارضه با اصل حاکمیت و استقلال دولت‌ها و اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها را که از اصول مسلم و پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل هستند ندارد، لیکن نباید این اصل بنیادین قربانی حاکمیت و استقلال دولت‌ها شود. به عبارت دیگر، حکومت‌ها نباید با بهانه قرار دادن جاسوسی و امنیت ملی^۱ مانع از جریان آزاد و متوازن اطلاعات در سطح جامعه شوند. آنچه این اصل را در معرض چالش‌های جهانی قرار داده، دسترسی به فناوری‌های نوین اطلاع‌رسانی است. در همین زمینه مداخله در امور داخلی کشورها و کسب اطلاعات راهبردی و محرمانه کشورها نیز در پرتو فناوری نوین اطلاعاتی تغییر شکل داده به نحوی که مداخله آشکار به مداخله پنهان از طریق ماهواره‌های جاسوسی مبدل شده است. به عبارت دیگر، اصل آزادی اطلاعات به حربه‌ای قانونی برای نقض حاکمیت‌ها و دسترسی به اطلاعات دولت‌ها تبدیل شده است (جفری، ۱۳۷۳: ۲۲۹ تا ۲۲۶).

۱.۱. حقوق بین‌الملل حاکم بر اصل آزادی اطلاعات و جاسوسی

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر سه آزادی بنیادین در خصوص اطلاعات را بیان می‌کند: آزادی دسترسی به اطلاعات، آزادی دریافت و آزادی اظهار و انتشار اطلاعات. در حالی که هر یک از این سه آزادی اطلاعات می‌تواند جداگانه و مجزا ایفا شود، با این حال ترکیب این آزادی‌ها که هر کدام از لحاظ مفهومی مستقل‌اند، تضمین‌کننده آزادی جریان محض اطلاعات است. شایان

۱. امنیت ملی به الزاماتی اشاره می‌کند که بقای دولت ملی را از طریق به‌کارگیری قدرت اقتصادی، ارتش و توان سیاسی و استفاده از ابزار دیپلماسی حفظ کند. «امنیت ملی» یک مفهوم غربی و خصوصاً آمریکایی است که در سال‌های پس از ۱۹۴۵ رواج یافت. در مورد امنیت ملی تعاریف مختلفی بیان شده است. این مفهوم مانند دیگر مفاهیم علوم انسانی، تعریفی واحد و مقبول تمامی یا حداقل بیشتر صاحب‌نظران ندارد. ریشه آن عدم اتفاق نظر به تلاش افراد، گروه‌ها و کشورها در تلقی و برداشت متفاوت آنها از این واژه باز می‌گردد. بر همین اساس، برای مثال آرنولد ولفرز می‌گوید: «امنیت ملی نماد ابهام‌آمیزی است که اصلاً ممکن نیست دارای معنای دقیق باشد». امنیت عبارت است از توانایی یک کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود. یکی از نخستین کسانی که امنیت ملی را تعریف کرده است، والتر لیپمن (walter Lippman) نویسنده و محقق آمریکایی است. او می‌گوید: یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد.

ذکر است در اغلب کتاب‌هایی که ترجمه اعلامیه را بیان کرده‌اند، عبارات کسب، اخذ و انتشار آمده است. از لحاظ مفهومی کسب و اخذ مترادف‌اند و معادل هم به کار می‌روند، حال آنکه ترجمه دقیق ماده ۱۹ اعلامیه باید به گونه‌ای باشد که رساننده مفهوم سه آزادی باشد. عبارت دسترسی به اطلاعات بسیار متفاوت از کسب اطلاعات است، چه بسا افراد امکان دسترسی داشته باشند، ولی از کسب آن محروم باشند. بنابراین جای بسی ملاحظه و مذاقه است که ترجمه باید رساننده محتوای حاکم بر عبارات نیز باشد. در هر صورت ماده ۱۹ هیچ‌گونه محدودیت و تزییقی در خصوص آزادی اطلاعات اعمال نمی‌کند و نبود کمترین محدودیت بر آزادی اطلاعات در ماده ۱۹ اعلامیه، حاکی از پذیرش مفهوم مطلق آزادی اطلاعات است. این اتخاذ بی‌قید و شرط از آزادی اطلاعات اعلامیه جهانی حقوق بشر را به عنوان یک مطلوب محض به جامعه جهانی معرفی می‌کند. اگرچه هر آزادی از جمله آزادی اطلاعات بدون محدودیت و در قالب عبارات مطلق بیان شده است، قید و شرط نهایی اعلامیه جهانی حقوق بشر یک محدودیت کلی بر همه آزادی‌ها تحمیل می‌کند. این قید که در بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه بیان شده، تزییق ملی بر حقوق و آزادی‌های بشری را تجویز می‌کند:

«هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور تعیین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است.»

قواعد و مقررات در زمینه آزادی اطلاعات در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید واقع شده است. بند ۲ ماده ۱۹ میثاق آزادی اطلاعات را بیان می‌کند:

«هر کسی حق آزادی بیان دارد این حق شامل آزادی دسترسی دریافت و اظهار اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.»

هنجار آزادی اطلاعات در بند ۲ ماده ۱۹ میثاق تأکید مجددی است از اصل آزادی اطلاعات که در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان شده است. آزادی دسترسی، دریافت و اظهار اطلاعات از حقوق فردی در جریان اطلاعات حمایت می‌کنند. ماده مذکور آزادی اطلاعات را بدون توجه به حد و مرزها چه از بعد داخلی اطلاعات و چه از بعد خارجی اطلاعات با دیگر دولت‌ها بیان می‌کند. در حالی که اعلامیه جهانی حقوق بشر محدودیتی را بر این آزادی اعمال نمی‌کند، قسمت (ب) بند ۳ ماده ۱۹ میثاق محدودیت‌هایی را در زمینه حفظ امنیت ملی بر این آزادی تجویز می‌کند: ۳. اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاصی است و از این رو ممکن است تابع محدودیت‌های معینی شود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: (ب) حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا

سلامت یا اخلاق عمومی. حق فرد در آزادی اطلاعات با حق دولت در منوط کردن ایفای این آزادی به تضيیقات حمایت از امنیت ملی طبق قسمت (ب) از بند ۳ ماده ۱۹ میثاق متوازن شده است.

در مقام مقایسه کنوانسیون‌های آمریکایی و اروپایی حقوق بشر با میثاق حقوق مدنی و سیاسی دامنه تضيیقات بر آزادی اطلاعات در کنوانسیون‌های مذکور تا حدی سخت‌تر و دقیق‌تر شده است. محدود کردن حدود تضيیقات به شرط جامعه دموکراتیک در بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی و ممنوعیت سانسور در بند ۲ ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی در بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی ملاحظه نمی‌شود، در حالی که بند ۳ ماده ۱۹ محدودیت بر آزادی اطلاعات را تجویز می‌کند، یک قید محدودکننده دیگر بر میثاق محدودیت حکمی بر آزادی اطلاعات را تشکیل می‌دهد. بند ۱ ماده ۲۰ دول طرف قرارداد را از هر گونه تبلیغ برای جنگ برحذر می‌دارد:

«هر گونه تبلیغ برای جنگ به موجب قانون ممنوع است». ممنوعیت تبلیغ برای جنگ به محدودیت‌های حاکم بر آزادی اطلاعات که به منظور حفاظت از امنیت ملی اعمال می‌شود، منضم می‌شود. اگرچه قسمت (ب) بند ۳ ماده ۱۹ محدودیت‌های اعمالی بر آزادی اطلاعات را اگر این اقدامات به منظور حفاظت از امنیت ملی ضروری باشد تجویز می‌کند، بند ۱ ماده ۲۰ فراتر از این ممنوعیت مطلق را در مورد آزادی اطلاعات که به تبلیغات جنگ منجر می‌شود، اعمال می‌نماید. اغلب عنوان جنگ که در بند ۱ ماده ۲۰ میثاق بیان شده است، نه فقط تجاوز موضوع بند ۴ ماده ۲، بلکه دفاع مشروع ماده ۵۱ منشور ملل متحد را نیز شامل می‌شود. بنابراین ممنوعیت تبلیغ برای جنگ می‌تواند به حق ذاتی فردی یا گروهی برای دفاع مشروع لطمه وارد کند. ظاهراً به این علت کنوانسیون اروپایی تبلیغ برای جنگ را ممنوع نمی‌کند و بند ۵ ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ممنوعیت تبلیغ برای جنگ را در صورتی که به تعرضات غیرقانونی منجر شود محدود می‌کند. این ملاحظات سبب شد تا چندین دولت حق شرط‌هایی را که به خروج یا اصلاح تأثیر حقوقی ممنوعیت تبلیغ برای جنگ منجر می‌شود، اعمال کنند. علاوه بر محدودیت‌های خاص در مورد آزادی اطلاعات که در بند ۳ ماده ۱۹ و بند ۱ ماده ۲۰ ذکر شده، میثاق لغو اغلب حقوق بشری را که مشتمل بر آزادی اطلاعات می‌شود تجویز می‌کند. بند ۱ ماده ۴ میثاق تجویزی است از لغو یا کنار گذاشتن برخی از آزادی‌ها از جمله آزادی اطلاعات در مورد یک خطر یا ضرورت عمومی: «هر گاه یک خطر عمومی (استثنایی) موجودیت ملت را تحدید کند و این خطر رسماً اعلام شود کشورهای طرف این میثاق می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق را به میزانی که وضعیت حتماً ایجاب می‌نماید اتخاذ نمایند مشروط بر اینکه تدابیر مزبور با سایر الزاماتی که بر طبق حقوق بین‌المللی به عهده دارند مغایرت نداشته باشد». در حالی که بند ۳ ماده ۱۹ محدودیت‌هایی را در

مورد آزادی اطلاعات حتی در شرایط معمولی تجویز می‌کند، ولی پیش شرط الغا طبق بند ۱ ماده ۴ زمانی است که یک خطر عمومی موجودیت ملت را تهدید کند، همچون جنگ‌های داخلی و خارجی و آشوب، بنابراین لغو آزادی اطلاعات مجاز است، اگر فقط یک ضرورت عمومی خاص حاکم باشد. با وجود این دولت‌ها می‌توانند به روش‌های مختلفی در تفسیر اعمال بند ۱ ماده ۴ میثاق متوسل شوند، درحالی‌که جوامع دموکراتیک آزادی اطلاعات را فقط در موارد حاد نظامی لغو یا محدود می‌کنند، حکومت‌های استبدادی تضادها و مخالفت‌های سیاسی را به‌عنوان یک ضرورت عمومی که تهدیدکننده حکومت است، تلقی و اقدام به حذف آزادی اطلاعات می‌کنند (Kish, ibid:50). همچنین در بند ۱ ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها (۱۹۸۱) تأکید بر حق دریافت اطلاعات برای اشخاص را بیان می‌کند، درحالی‌که بند ۲ ماده مذکور این حق (ابراز و انتشار عقاید) را مطابق قانون می‌داند.

۲. اصل آزادی ارتباطات

پیش از پرداختن به ارتباط حقوقی اصل آزادی ارتباطات و جاسوسی لازم است به مفهوم اصل آزادی ارتباطات بپردازیم. تبیین حقوقی این اصل مستلزم شناختن مفهوم و ماهیت این اصل حقوق بشری است.

آزادی ارتباطات در پرتو دستیابی بشر به فناوری‌های نوین ارتباطی همچون سیستم‌های مخابراتی ارسال و دریافت پیام و تصویر از طریق مبادله امواج و همگانی کردن استفاده از این فناوری که گاه امنیت ملی حکومت‌ها را به چالش طلبیده تحولی بس عجیب در امر ارتباطات داخلی و بین‌المللی کشورها ایجاد کرده و با استقبال شگرفی نیز مواجه شده است. این فناوری پس از آنکه انسان با پرتاب نخستین ماهواره موفق به تسخیر فضا شد و آثار علمی و راهیابی انسان به فضا پدیدار شد، اهمیتی صدچندان یافت. در سال‌های اولیه دستیابی بشر به فناوری ارتباطات، با توجه به محدودیت‌های فنی، استفاده از وسایل ارتباطی دارای جنبه‌های مثبت بود و پخش و مخابره اطلاعات و اخبار در قلمرو و شهر، استان و در قلمرو یک کشور انجام می‌گرفت، لیکن به موازات توسعه و تکمیل این فناوری، دولت‌ها به جنبه‌های بیشتر مثبت و منفی استفاده از این فناوری در زمینه ارتباطات بین‌المللی پی بردند که نقطه اوج آن دستیابی بشر به فضا و فناوری مخابرات فضایی محسوب می‌شود. امروزه روند رو به رشد موارد سوء استفاده از این فناوری از جمله جاسوسی از سوی کشورهای که دارای قابلیت‌های بالای این فناوری هستند، علیه کشورهای دیگر سبب طرح موضوعات مهم حقوقی در مجامع بین‌المللی شده است، این در حالی است که فقدان رژیم حقوقی خاص و توفیق نیافتن کشورها و مجامع بین‌المللی در دستیابی به اتفاق نظر، همچنین تعارض‌ها و اختلافات جدی بین دولت‌ها در مورد

نحوه و حدود و آزادی دولت‌ها در فناوری ارتباطی ابهامات زیادی را ایجاد کرده است (رفیعی، ۱۳۸۰: ۸۸).

۲.۱. حقوق بین‌الملل حاکم بر اصل آزادی ارتباطات^۱ و جاسوسی

پس از تأسیس سازمان ملل و یونسکو، جامعه بین‌المللی در خصوص ارتباط، اهداف مشخصی را تعیین کرد. این هدف‌ها در تضمین آزادی عقیده بیان و جریان آزاد اطلاعات بودند. در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، این آزادی‌ها شامل آزادی داشتن هر گونه عقیده بدون بیم از کسی و دریافت و انتشار اطلاعات، آرا و نظریات با هر وسیله ارتباطی و صرف نظر از مرزهاست. در اساسنامه یونسکو کشورها با اعتقاد به «تعقیب نامحدود حقایق عینی و مبادله آزاد اندیشه و دانش» اعلام کردند که خود آنها موافق و مصمم به گسترش و افزایش وسایل ارتباط میان مردم خود و به کار گرفتن این وسایل به منظور تفاهم متقابل و شناخت صحیح‌تر و کامل‌تر از زندگی یکدیگرند. در واقع اساسنامه یونسکو هدف از به کارگیری وسایل ارتباطی را نیل به شناخت و تفاهم متقابل در جامعه جهانی دانسته و به عبارتی دیگر، ارتباطات باید در خدمت بشر و به منظور تبادل آزاد دانش و اندیشه قرار گیرند نه آنکه وسیله‌ای برای تحقق اهداف سیاسی از جمله ارسال و انتقال اطلاعات محرمانه و راهبردی دولت‌ها باشد. با ملاحظه و تأمل در اعلامیه جهانی حقوق بشر ملاحظه می‌کنیم که اصل مستقلی به آزادی ارتباطات اختصاص نیافته و این اصل در آزادی اطلاعات ریشه دارد، هر چند این واژگان (اطلاعات و ارتباطات) برای اشاره به دو پدیده متفاوت به کار رفته‌اند، به نحوی که ارتباط به منزله «فرایند» مبادله اخبار، حقایق، عقاید و پیام‌ها میان افراد و مردم؛ و اطلاعات به منزله «محصول»، یعنی اخبار، آگاهی‌ها و سایر محتویات و ستاده‌های گوناگون رسانه‌ها، فعالیت‌ها و صنایع فرهنگی است. با این حال ارتباط بدون اطلاعات معنا و مفهوم نخواهد داشت. محدودیت حاکم بر اصل آزادی ارتباطات را همچون اصل آزادی اطلاعات باید در بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه نظاره‌گر باشیم. اصل آزادی ارتباطات اصل مطلق نیست تا افراد با توسل به آن نظم عمومی و امنیت ملی را خدشه‌دار سازند. امروزه نشر اطلاعات بنیادین و راهبردی ملی از طریق فناوری‌های نوین و پیشرفته ارتباطی صورت می‌گیرد و در این بین نقش ماهواره‌های جاسوسی (جاسوسی فنی) انکارناپذیر

۱. فناوری‌های نوین ارتباطات، یکی از مهم‌ترین ابزار جهت اختلال در امنیت بین‌المللی محسوب می‌شوند، چراکه این فناوری‌ها سبب تأثیرگذاری فراوان بر مردم می‌شود و ممکن است با تبلیغات یک رسانه مردم کشوری علیه دولت خود تحریک شوند و این امر سبب اختلاف بین دو کشور شود و آن دولت درصدد اقدامات تلافی‌جویانه برآید. چراکه چنانکه در گذشته‌ای نه چندان دور، برتری تسلیحاتی و به ویژه هسته‌ای به‌عنوان شرط لازم برای رهبری ائتلاف‌های نظامی علیه کشورهای دیگر مطرح بود، در عصر اطلاع‌رسانی، برتری در این عرصه است که چنین نقشی را ایفا می‌کند.

است و نیاز به تحول در قواعد و مقررات بین‌المللی امری بدیهی است تا از سویی با حرکت از اصول به‌سوی اصلاحات اساسی و اقدام واقعی شاهد تضمین لازم در رعایت این اصل حقوقی باشیم و از سویی دیگر، مانع اقدامات فراقانونی (جاسوسی) در لوای اصل آزادی ارتباطات باشیم... آزادی غیراصولی ارتباطات هرچند در پاره‌ای از موارد می‌تواند امنیت ملی و بین‌المللی را به مخاطره اندازد، لیکن نقش مثبت ارتباطات در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نیز نباید فراموش شود، به طوری که حتی شاهد الزامات قانونی در عرصه بین‌المللی در جهت اطلاع‌رسانی صحیح هستیم. به طور مثال در اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل دربارهٔ خلع سلاح که در سال ۱۹۷۸ برگزار شد، قطعنامه‌ای به تصویب رسید که به نقش ارتباطات اشاره دارد؛ بدین مضمون که به منظور جلوگیری از انتشار اطلاعات نادرست و جهت‌دار دربارهٔ تسلیحات و تمرکز بر خطر تشدید مسابقهٔ تسلیحاتی و نیاز به خلع سلاح عمومی و کامل تحت نظارت مؤثر و کارآمد سازمان ملل، کشورهای عضو را باید در خصوص جنبه‌های مختلف و گوناگون خلع سلاح به تأمین جریان بهتر اطلاعات تشویق کرد. ارتباط و اطلاع‌رسانی صحیح صرف‌نظر از اینکه زمینه‌ساز صلح و امنیت بین‌المللی است، مانع اقدام‌هایی همچون جاسوسی در عرصهٔ جامعهٔ بین‌المللی می‌شود، اما نباید فراموش کرد که حتی قانون جامعهٔ دموکراتیک نیز مانع از انتشار و افشای اطلاعاتی می‌شود که نظم عمومی و امنیت ملی را در لوای آزادی ارتباطات خدشه‌دار می‌سازد. آنچنان که بند ۲ مادهٔ ۲۹ اعلامیه نیز بر این امر صحنه می‌گذارد. پر واضح است که به لحاظ نسبییت مفاهیمی چون امنیت نظم عمومی اخلاق حسنه و نیز غیرمتمرکز بودن نظام بین‌المللی دولت‌ها از صلاحیت شخصی برخوردار است و می‌توانند محدودیت‌هایی را بر اصل آزادی ارتباطات (آزادی پخش و دریافت اطلاعات) اعمال کنند (زمانی، ۱۳۸۰: ۱۰۳). شایان ذکر است که تفسیر مادهٔ ۱۹ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر بدون در نظر گرفتن مادهٔ ۲۹ آن اعلامیه و دیگر منابع حقوق بین‌الملل که هر کدام محدودیت‌هایی را بر مادهٔ ۱۹ اعمال می‌کنند، تفسیری نادرست است و منطبق بر واقعیت‌های موجود در حقوق بین‌الملل، و ضامن منافع تمام کشورهای دنیا نیست. امروزه فناوری نوین ارتباطات در پرتو جهانی شدن مفهوم بشریت مفاهیم نوینی از حکومت ملی بر جامعهٔ بین‌المللی تحمیل کرده است.

۳. اصل آزادی عبور و مرور (تردد)

از جمله اصول حقوق بشری مرتبط با جاسوسی و کسب اطلاعات، اصل آزادی عبور و مرور (تردد) است. شاید در نگاه اول این اصل غیرملموس و ناهمگون با بحث ما باشد، ولی در نگاه واقع بینانه ثابت خواهد شد که این اصل همچون اصول آزادی اطلاعات و ارتباطات محور چالش‌های قابل تأمل است، هرچند کمتر از سایر اصول به آن پرداخته شده است. مادهٔ ۱۳ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر به این اصل مسلم حقوقی تأکید دارد:

الف) هر شخص حق دارد در داخل هر کشور آزادانه رفت و آمد کند و اقامتگاه خود را برگزیند.

ب) هر شخص حق دارد هر کشوری از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خویش بازگردد.

اصل مذکور علاوه بر بیان آزادی عبور و مرور به آزادی تعیین مسکن نیز پرداخته است که البته بحث ما معطوف به آزادی عبور و مرور و تردد بوده و اصل اختیار مسکن خارج از موضوعه مطروحه است. آزادی رفت و آمد نتیجه امنیت شخصی است و مفهوم آن این است که شخص هر وقت بخواهد در داخل یک کشور رفت و آمد کند و نیز هر وقت بخواهد آن کشور را ترک کند یا به کشور خود بازگردد و هیچ مانعی نتواند او را از این آزادی باز دارد. آزادی رفت و آمد مظهر زندگی و فعالیت است و آن وقتی کامل است که با امنیت همراه باشد و بدون آن مفهومی پیدا نمی‌کند. با تحولات صورت گرفته در زمینه ارتباطات تأمین آزادی در رفت و آمد به صورت یکی از نیازهای مهم زندگی جهان امروز درآمده است. هیچ کشوری نمی‌تواند مرزهای خود را بر روی خارج ببندد و از رفت و آمد اتباع خود به خارج جلوگیری کند، هر گونه محدودیت در این زمینه تهدید جدی برای تفاهم و صلح جهانی محسوب می‌شود (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۵: ۴۸). از جمله موضوعاتی که امنیت ملی و نظم عمومی را متزلزل می‌کند، جاسوسی و کسب اطلاعات محرمانه و بنیادین است. آزادی عبور و مرور و تردد در صورتی که موجب دسترسی افراد به اطلاعات بنیادین و راهبردی شود، قابل تضییق و تحدید است. به‌واقع اگرچه در مورد وجود اصل این آزادی می‌توان به اصول کلی حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل قراردادی استناد کرد، اصول مذکور و قواعد قراردادی رافع ابهامات نیست. مشکل اصلی دیگر آن است که ما فاقد نظام بی‌طرف بین‌المللی هستیم که در خصوص قوانین وضع شده در خصوص این آزادی اظهار نظر کند. اگر دولت‌ها به دلایل امنیتی مانع عبور و مرور آزاد افراد در پاره‌ای از نقاط خاصی می‌شوند، باید دلایل قانونمند و توجیه‌پذیر باشد. اگر شخصی به‌علت ورود به مناطق امنیتی تحت عنوان جاسوسی تعقیب می‌شود، باید دولت‌ها اولاً ثابت کنند که مناطق ادعایی واقعاً مناطق امنیتی‌اند؛ ثانیاً عدم ورود باید مسبوق به قانون باشد.

نتیجه

اگر در گذشته جاسوسی منحصر به نوع نظامی بود یا جاسوسی نظامی اهمیت زیادی داشت، امروزه جاسوسی نظامی تنها یکی از انواع جاسوسی است و در بعد اهمیت نیز در پاره‌ای از موارد در قیاس با سایر جاسوسی‌ها اهمیت همسان یا کمتری دارد و شاید بتوان گفت با توجه به قوانین و مقررات بین‌المللی در نفی جنگ و نقش اقتصاد به‌عنوان ابزاری تعیین‌کننده و

راهبردی در سیاست بین‌الملل این نوع جاسوسی در مقایسه با جاسوسی‌های اقتصادی علمی و فرهنگی اهمیت کمتری دارد. با این حال هر نوع از جاسوسی ماهیت خاص خود را به‌دست آورده و این تنوع با توجه به قواعد و مقررات بین‌المللی حاکم در هر مورد ملموس است. تعارض بین آزادی اطلاعات و جاسوسی در حقوق بین‌الملل بشر شایان تأمل است، به‌نحوی که تعادل بین منافع دولت و حقوق اشخاص تا حدی متوازن شده است. اصول اعلامی حقوق بشر مفاهیم متعارض آزادی اطلاعات و جاسوسی را شناسایی کرده‌اند. این اصول در حقوق بین‌الملل حاکم بر حقوق بشر تثبیت شده‌اند، آنجا که اصل آزادی اطلاعات موضوع محدودیت‌ها و اعمال حق رزرو دولت‌ها به‌منظور حمایت از امنیت ملی قرار گرفته‌اند و به این طریق دامنه جاسوسی محدود می‌شود. تضمین و حمایت از امنیت ملی گاه با رجوع به قانون داخلی محقق می‌شود. به‌طور مثال با آنکه حقوق بشر اروپایی آزادی اطلاعات را در جوامع دموکراتیک تضمین و توسعه داده است، در این مورد امنیت ملی وضع شده است. همان‌طور که قانون آمریکایی حقوق بشر اصل آزادی اطلاعات را به‌واسطه حمایت از امنیت ملی موضوع محدودیت قرار داده است، دو نهاد حقوق بشری فاقد نظام بی‌طرف بین‌المللی در رعایت حقوق بشر هستند. به هر صورت آنجا که موضوع آزادی‌های فردی و حوزه امنیت ملی کشورها مطرح می‌شود، حوزه این آزادی تا تجویز جاسوسی پیش نمی‌رود، با این حال نباید افراد را از حقوق اساسی و مسلم خود چه در زمینه آزادی اطلاعات و چه در زمینه ارتباطات و تردد به بهانه جاسوسی و مسائل امنیتی محروم کرد یا تزییقاتی را اعمال کرد که بر خلاف موازین حقوق بشری باشد.

منابع

الف) فارسی

۱. آشوری، داریوش (۱۳۷۳)، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید.
۲. اشرافی، ارسلان (۱۳۸۰)، جاسوسی به نفع اجانب در حقوق کیفری ایران، شیراز، تخت جمشید.
۳. دامارانش، کنت، اندامن، دیوید (۱۳۸۰)، جنگ جهانی چهارم دیپلماسی و جاسوسی در عصر خشونت، ترجمه کیانتاز سهیلا، تهران، اطلاعات.
۴. ریکلسون، جفری (۱۳۷۳)، چشمان مخفی آمریکا در فضا- برنامه ماهواره‌های جاسوسی ایالات متحده آمریکا، ترجمه رضا حائری، تهران، اطلاعات.
۵. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰)، حقوق جنگ (حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه)، چاپ دوم، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۶. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۵)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات

دانشگاه تهران.

۷. علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۳۳)، حقوق جنایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. مندل، رابرت (۱۳۷۹)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۵۷)، حقوق کیفری اقتصادی ت جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، میزان.

- مقالات

۱۰. احمدی، عادل (۱۳۸۳)، روزنامه اطلاعات، بخش اطلاعات اقتصادی، ش ۲۳۰۹، دوشنبه ۸ تیرماه.
۱۱. رفیعی، غلامرضا (۱۳۸۰)، زبان‌های ناشی از پخش مستقیم فرامرزی برنامه‌های رادیو-تلویزیون و مسئولیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، مجموعه مقالات در خصوص چالش‌های حقوقی پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای در نظام‌های ملی و بین‌المللی، تهران، سروش.
۱۲. زمانی، سید قاسم (۱۳۸۰)، پخش ماهواره‌ای و اقدامات متقابل در حقوق بین‌المللی با تأکید بر ارسال پارازیت. مجموعه مقالات در خصوص چالش‌های حقوقی پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای در نظام‌های ملی و بین‌المللی، تهران، سروش.
- پایان‌نامه‌ها
۱۳. اسلامی، محمدرضا (۱۳۷۳)، جرم سیاسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- جزوات
۱۴. ضیائی بیگدلی، محمد رضا (۸۲-۱۳۸۱)، بررسی تفصیلی مبادی حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، جزوه درسی.

(ب) انگلیسی

15. Kish, John (1995), international Law and espionage, published by kluwer law international, hague, p. xv.
16. Booth, Ken (1988), war, security Environment working group, the future security Environment, Washington Dc, the pentagon, p.360.
17. Bussan, Barry, (1991), People, States, and Fear, 2nd ed, Boulder, Co: Lynne Renner.
18. Mandel, Robert (1992), the source of international River Basin conflict, conflict Quarterly, PP 25-26.
19. Rauch, Elmar. (1981), Espionage, Encyclopedia of Public International Law, vol 3, North-Holland, Publishing Company.

- معاهدات

20. Convention and Regulations on the Laws and Customs of War on Land, Hague, 18 October 1907.
21. Convention for the Protection of Civilian Persons in time of War ,Geneva ,12 August 1949.

